

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قواعد فقہیہ

«دوس تمہیدیہ فی القواعد الفقہیہ»

کرایش فقہ و اصول

«معنای ضرار - مقصود از قاعدہ لا ضرر»

استاد: حجت الاسلام و المسلمین آل‌وستانی

آموزشیار: آقای ابوالفضل نقاش زاده

مقدمه

در بررسی حدیث «لا ضرر و لا ضرار» که مدرک قاعده لا ضرار می باشد، بحث به بررسی مفردات حدیث رسید. در درس گذشته به نقطه اشتراک و افتراق دو کلمه «ضرر» و «ضرار» اشاره شد. آنچه در درس حاضر مورد بررسی قرار می گیرد معنای کلمه «ضرار» است که از چه بابی است و بر چه مطلبی دلالت دارد.

بحث دیگر بیان مقصود از قاعده «لا ضرر» است که در این راستا چهار قول نقل می شود. بحث پایانی آغاز بررسی قول اول از اقوال چهار گانه است که سه راه برای استفاده آن مطرح شده و ادامه بررسی این قول در درس بعد پیگیری می شود.

متن عربي

معنى الضرار

بعد أن عرفنا أنّ الضّرار مصدر نسأل عن معناه، إذ الضرار يحتمل كونه مصدراً لضرّاً، و يحتمل كونه مصدراً لضراراً؛ فإنّ ضرّاً يأتي مصدره ضرّاً و ضراراً. و ضرارٌ - الذي هو على وزن فاعلٍ - يأتي مصدره على وزن فِعالٍ و مفاعلة، أي: ضرار و مضارة. ثم إنّه إذا كان مصدراً لضراراً، يقال بأنّ الضّرار مصدر باب المفاعلة؛ إذ مصدر ضرارٌ و إن لم ينحصر بالمفاعلة بل يأتي مصدره على وزن فِعالٍ، إلّا أنّه ينسب إلى باب المفاعلة من باب النسبة إلى أشهر المصدرين.

و بالجملة إذا كان الضّرار مصدراً لضراراً - أي كان مصدراً من باب المفاعلة - فقد يقال بدلالته على المشاركة، أي لا يضرّ هذا ذاك و لا ذلك هذا فإنّ المنسوب إلى جملة من اللغويين أنّ باب المفاعلة موضوعٌ للمشاركة، فقاتلَ زيدٌ عمراً، يعني: هذا قاتلَ ذاك و ذاك قاتلَ هذا، إلّا أنّ النسبة في أحدهما أصلية و في الآخر تبعية، فالنسبة بلحاظ الفاعل - و هو زيد - أصلية بينما بلحاظ المفعول - و هو عمرو - تبعية.

هذا و لكنّ الشّيخ الإصفهاني (ره) - و وافقه على ذلك جماعة - أنكر دلالة باب المفاعلة على المشاركة و قال: «إنّي تتبعت القرآن من أوله إلى آخره فلم أجد استعمال باب المفاعلة في الدلالة على المشاركة».

و على أيّ حال، سواء تمّ ما أفاده أو لا ففي خصوص الحديث لم يقصد من كلمة الضرار الدلالة على المشاركة، إذ الضرر كان صادراً من سمرّة فقط دون الأنصاري. و سوف يأتي إن شاء الله تعالى في النقطة التالية أنّ استشهاد الرسول (ص) إنّما هو بفقرة «لا ضراراً» دون «لا ضرر».

و بعد عدم كون المشاركة مقصودة فما هو المقصود إذن؟

إنّ المصدر و إن دلّ على صدور الحدث من الفاعل، إلّا أنّ هذا المقدار قضية تشترك فيها جميع المصادر، و لكن دلالة بعض المصادر تختلف عن دلالة بعضها الآخر، و السؤال عن دلالة هيئة الضرار ما هي؟

لا يبعد دلالة كلمة «ضراراً» على صدور الضرر من الفاعل أمّا بنحو الاستمرار و التكرّر، أو بنحو التقصّد و التعمّد و اتّخاذ ذريعة باطلة إليه، فلا ضرار يعني: لا يصدر منكم الضرر متقصّدين إليه و متشبّثين ببعض الذرائع الواهية.

و لعلّ بعض الاستعمالات القرآنية تساعد على ذلك، قال تعالى: «وَ إِذَا طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَاراً لِّتَعْتَدُوا» و قال: «وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِرَاراً وَ كُفْراً وَ تَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ ...» و قال: «... وَ لَا يَضَارُّ كَاتِبٌ وَ لَا شَهِيدٌ ...» و قال: «... لا تُضَارُّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدِهِ ...» إلى غير ذلك.

و النتيجة المستخلصة من كل هذا أنّ كلمة الضرر تدل على نفس النقص و كلمة الضّرار تدل على الضرر الصادر من الفاعل عن تعمدٍ و قصد.

٦- المقصود من قاعدة لا ضرر

بعد أن عرفنا المقصود من كلمة الضرر و الضّرار يقع الكلام في المقصود من مجموع الجملة و أنّه ما ذا تريد أن تقول و تبين. إنّ أهمّ نقطة من نقاط البحث عن قاعدة لا ضرر هي هذه النقطة. و قد اختلفت الاجابة عن هذا التساؤل، و نذكر المهمّ منها كما يلي:

أ- إنّ المقصود النهي و إفادة تحريم الضرر تكليفاً. و هذا الرأي ذكره الأخوند (ره) في الكفاية و اختاره الشيخ الشريعة الإصفهاني (ره).

ب- إنّ المقصود نفي الضرر غير المتدارك. و هذا هو المنسوب للفاضل التوني (ره).

ج- إنّ المقصود نفي تشريع الحكم الذي يستلزم الضرر و يسببه. و هذا ما اختاره الشيخ الاعظم (ره) و الميرزا (ره) و السيد الخوئي (ره).

د- إنّ المقصود نفي الحكم بلسان نفي الموضوع. و هذا ما اختاره الأخوند الخراساني (ره) في الكفاية.

و يأتي فيما بعد إن شاء الله تعالى توضيح الفرق بين هذا الرأي و ما قبله.

و بعد هذا نأخذ بالتحدّث بشكل مختصر عن كل واحد من هذه الآراء، ثم بيان ما هو المختار.

توضيح الرأي الأول

إنّ تفسير القاعدة بالتحريم التكليفي للضرر يمكن أن يتمّ بأحد الطرق الثلاث التالية:

أ- استعمال «لا» النافية في النهي بنحو المجاز و الاستعمال في المعنى غير الموضوع له.

ب- تقدير خبر محذوف أي: لا ضرر جائز.

ج- أن تكون الجملة مستعملة في الإخبار عن النفي بقصد النهي، نظير استعمال جملة بعت بداعي الانشاء.

معنای ضرار

چنانکه در درس گذشته بیان شد، «ضرار» از لحاظ صرفی مصدر است. اما برای روشن شدن معنای «ضرار»، ابتدا باید مشخص نمود که «ضرار» مصدر ثلاثی مجرد (ضَرَّ يَضُرُّ) است یا مصدر ثلاثی مزید (ضَارٌّ يَضَارُّ)؛ زیرا همان طور که از میان ابواب ثلاثی مزید گاهی اوقات مصدر باب مفاعله^۱ بر وزن «فِعال» می‌آید^۲، مصدر برخی افعال ثلاثی مجرد^۳ نیز بر وزن «فِعال» آمده است.

در صورتی که «ضرار» مصدر باب مفاعله باشد، از دیدگاه برخی علما بر معنای مشارکت دلالت خواهد داشت؛ چرا که به تصریح بسیاری از لغت شناسان، باب مفاعله برای بیان معنای مشارکت وضع شده است. از باب مثال معنای جمله «قَاتَلَ زَيْدٌ عَمْرًا» این است که زید با عمرو جنگید و عمرو نیز با زید به جنگ پرداخت، البته با این تفاوت که اسناد جنگ به زید که فاعل است، اسنادی اصلی است ولی اسناد آن به عمرو که مفعول است، اسنادی فرعی و تبعی است. یعنی زید آغاز کننده جنگ بوده و عمرو به تبع نزاعی که زید شروع کرده با او جنگیده است. در نتیجه، مقصود از تعبیر «لا ضرار» این است که فاعل نباید به مفعول ضرر وارد کند و مفعول نیز باید از ضرر وارد نمودن به فاعل اجتناب نماید.

اما شیخ الشریعة اصفهانی (ره) - و عده‌ای از پیروان ایشان - دلالت باب مفاعله بر معنای مشارکت را نپذیرفته و استعمال باب مفاعله به معنای مشارکت در قرآن را انکار نموده‌اند.

به هر حال، چه این ادعا صحیح باشد چه صحیح نباشد، تعبیر «لا ضرار» در حدیث داستان سمرة بن جندب - که مدرک اصلی قاعده لا ضرر می باشد - قطعاً در معنای مشارکت به کار نرفته است؛ زیرا در داستان سمرة بن جندب، ضرررسانی تنها از ناحیه سمرة صورت گرفته بود نه مرد انصاری. اما از آنجایی که در مباحث آینده اثبات خواهیم کرد که استشهاد رسول اکرم (ص) به قسمت «لا ضرار» می‌باشد، باید معنای «ضرار» را مشخص کنیم حال باید ببینیم که اگر مقصود از «ضرار» مشارکت نیست، پس آنچه از آن اراده شده چه معنایی می باشد؟

آنچه که مسلم است، «ضرار» بر بیش از صدور حدث از فاعل - که نقطه اشتراک بین تمامی مصادر است - دلالت دارد؛ زیرا در ادبیات عرب، اختلاف هیئات و ساختارها نشان دهنده اراده معانی مختلف است^۴ و در غیر این صورت، الفاظی که از ماده مشترک برخوردارند دارای یک معنا بوده و چنانچه کنار هم ذکر گردند، یکدیگر را تأکید می‌کنند. بنابراین چنانچه مقصود از «ضرار» در حدیث داستان سمرة، تنها صدور حدث از فاعل باشد، «لا ضرار» تأکید «لا ضرر» می‌شود و از آن جایی که رسول مکرّم اسلام (ص) در مقام بیان احکام شرعی می‌باشند و در چنین جایگاهی باید مطلب به صورت شفاف و بر اساس فهم عرف عمومی ذکر گردد، حمل بر تأکید و استفاده از ظرافت‌های ادبی، خلاف اصل بوده و جا ندارد.

بعید نیست «ضرار» در این روایت، بر صدور ضرر از فاعل به شکل مستمر و پی در پی یا به شکل قصدی و عمدی^۵ دلالت داشته باشد با این بیان مراد از «ضرار» این است که ضرر عمدی که در راستای اغراض غیر معقول شما است نباید از شما صادر شود.

با مراجعه به برخی از آیات قرآن، به دست می‌آید «ضرار» در مواردی استعمال می‌شود که شخص بخواهد ضرری را از روی عمد و قصد به دیگری وارد کند. مانند آیات زیر:

الف) «وَ إِذَا طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ فَبَلِّغْنَ أَجْلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا

۱. کل فعل علی وزن فاعل فمصدره الفِعال و المفاعلة، نحو ضارب ضراباً و مضاربة و قاتل قتالاً و مقاتلة و خاصم خصاماً و خصامة. (شرح ابن عقیل، ج ۲، ص ۱۳۱)

۲. اگرچه مصدر باب مفاعله، هم بر وزن «مفاعلة» می‌آید و هم بر وزن «فِعال»، اما باب، با نام وزن مشهورتر و رایجتر که «مفاعلة» است شناخته می‌شود و به آن «باب مفاعلة» گفته می‌شود.

۳. مانند: کَتَبَ كِتَابًا، حَسِبَ حِسَابًا و قَامَ قِيَامًا.

۴. در ادبیات عرب رایج است که می‌گویند: «زیادة المبانی تدل علی زیادة المعانی»، یعنی وقتی که مبنا و ساختار افزایش پیدا کرد، باید معنای جدیدی نیز مد نظر متکلم باشد.

۵. در مقابل ضرری که از روی سهو و یا نسیان سرزند.

لَتَعْتَدُوا^۱ و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به روزهای آخر (عده) خود رسیدند، به طرز صحیحی آن‌ها را نگه دارید (و آشتی کنید) یا به طرز پسندیده‌ای آنها را رها سازید و آن‌ها را به خاطر زیان رساندن نگه ندارید تا به ایشان ظلم کنید».

ب) «و الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِرَاراً وَ كُفْراً وَ تَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ ...^۲» و (گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که برای زیان رساندن (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان ... مسجدی ساختند».

ج) «... وَ لَا يُضَارُّ كَاتِبٌ وَ لَا شَهِيدٌ ...^۳» ... نباید نویسنده و شاهد (به خاطر حقگویی) زبانی ببینند ...».

د) «... لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلُهُ ...^۴» ... هیچ مادری نباید به کودکش ضرر برساند و هیچ پدری نباید به کودکش ضرر برساند ...».

بنابراین نتیجه می‌گیریم لغت «ضرر» تنها بر اصل نقص و خسارت دلالت دارد، اما لغت «ضِرار» علاوه بر اصل صدور خسارت از فاعل، عمدی و قصدی بودن صدور خسارت را نیز می‌فهماند.

تطبیق

معنی الضَّرار

بعد أن عَرَفْنَا أَنَّ الضَّرَارَ مَصْدَرٌ نَسَأَلُ عَنْ مَعْنَاهُ، إِذِ الضَّرَارُ يُحْتَمَلُ كَوْنُهُ مَصْدَرًا لَضَرًّا؛

معنای ضِرار

بعد از آنکه دانستیم ضِرار مصدر است، از معنای آن سؤال می‌کنیم، چون احتمال دارد ضِرار مصدر «ضَرَّ» باشد و احتمال دارد مصدر «ضَارَّ» باشد؛

فَإِنَّ ضَرَ يَأْتِي مَصْدَرُهُ ضَرًّا وَ ضِرَاراً وَ ضَارًّا - الَّذِي هُوَ عَلَى وَزْنِ فَاعِلٍ - يَأْتِي مَصْدَرُهُ عَلَى وَزْنِ فِعَالٍ وَ مَفَاعَلَةٍ، أَي: ضِرَارٍ وَ مُضَارَّةٍ.

مصدر «ضَرَّ» به صورت «ضَرًّا» و «ضِرَاراً» می‌آید و مصدر «ضَارًّا» - که بر وزن «فَاعِلٌ» می‌باشد - بر وزن «فِعَالٌ» و «مَفَاعَلَةٌ» می‌آید، یعنی «ضِرار» و «مُضارَّة».

ثمَّ إِنَّهُ إِذَا كَانَ مَصْدَرًا لَضَارًّا، يُقَالُ بَأَنَّ الضَّرَارَ مَصْدَرُ بَابِ المَفَاعَلَةِ؛ إِذْ مَصْدَرُ ضَارًّا وَ إِن لَمْ يَنْحَصِرْ بِالمَفَاعَلَةِ بَلْ يَأْتِي مَصْدَرُهُ عَلَى وَزْنِ فِعَالٍ، إِلاَّ أَنَّهُ يُنْسَبُ إِلَى بَابِ المَفَاعَلَةِ مِنْ بَابِ النِّسْبَةِ إِلَى أَشْهَرِ المَصْدَرِينَ. پس، اگر «ضِرار» مصدر «ضَارًّا» باشد، گفته می‌شود «ضِرار» مصدر باب مفاعله است؛ چرا که اگرچه مصدر «ضَارًّا» منحصر در «مفاعلة» نیست، بلکه مصدر آن بر وزن «فِعَالٌ» نیز می‌آید، اما از باب نسبت دادن به مشهورترین دو مصدر، به باب مفاعله نسبت داده می‌شود.

و بِالْجُمْلَةِ إِذَا كَانَ الضَّرَارَ مَصْدَرًا لَضَارًّا - أَي كَان مَصْدَرًا مِنْ بَابِ المَفَاعَلَةِ - فَقَدْ يُقَالُ بِدَلَالَتِهِ عَلَى المِشَارَكَةِ، أَي لَا يُضَرُّ هَذَا ذَاكَ وَ لَا ذَاكَ هَذَا

خلاصه، اگر «ضِرار» مصدر «ضَارًّا» باشد - یعنی مصدر از باب مفاعله باشد - گفته می‌شود دلالت بر معنای مشارکت دارد، یعنی این شخص نباید به آن شخص ضرر برساند و آن شخص (نیز) نباید به این شخص (ضرر برساند).

فَإِنَّ المَنْسُوبَ إِلَى جُمْلَةٍ مِنَ اللُّغَوِيِّينَ إِنَّ بَابَ المَفَاعَلَةِ مَوْضُوعٌ لِلْمِشَارَكَةِ، فَقَاتِلَ زَيْدٌ عَمْرًا يَعْنِي: هَذَا قَاتِلَ ذَاكَ وَ ذَاكَ قَاتِلَ هَذَا،

چون به برخی از علمای لغت این گونه نسبت داده شده است که باب مفاعله برای معنای مشارکت وضع شده است، بنابراین

۱. سوره بقره، آیه ۲۳۱.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۷.

۳. سوره بقره، آیه ۲۸۲.

۴. سوره بقره، آیه ۲۳۳.

«قَاتَلَ زَيْدٌ عَمْرًا» به معنای آن است که: این (زید) با او (عمرو) جنگید و او (عمرو) با این (زید) جنگید،
إِلَّا أَنَّ النَّسْبَةَ فِي أَحَدِهِمَا أَصْلِيَّةٌ وَ فِي الْآخَرِ تَبَعِيَّةٌ، فَالنَّسْبَةُ بِلِحَازِ الْفَاعِلِ - وَ هُوَ زَيْدٌ - أَصْلِيَّةٌ بَيْنَمَا بِلِحَازِ
المفعول - وَ هُوَ عَمْرٌو - تَبَعِيَّةٌ.

اما نسبت در یکی از آن دو اصلی و در دیگری فرعی است، نسبت از جهت فاعل - که «زید» است - اصلی است، در حالی که
از جهت مفعول - که «عمرو» است - فرعی است.

هَذَا، وَ لَكِنَّ الشَّيْخَ الإِصْفَهَانِيَّ (ره) - وَ وَافَقَهُ عَلَى ذَلِكَ جَمَاعَةٌ - أَنْكَرَ دَلَالَتَ بَابِ الْمَفَاعَلَةِ عَلَى الْمَشَارَكَةِ وَ
قَالَ: إِنِّي تَبَعْتُ الْقُرْآنَ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ فَلَمْ أَجِدْ اسْتِعْمَالَ بَابِ الْمَفَاعَلَةِ فِي الدَّلَالَةِ عَلَى الْمَشَارَكَةِ.

اما شیخ الشریعہ اصفهانی (ره) - که عده‌ای نیز با ایشان موافقت نموده‌اند - دلالت باب مفاعله بر مشارکت را انکار نموده است
و گفته است: من از ابتدا تا انتهای قرآن را گشتم، اما به کارگیری باب مفاعله در دلالت بر معنای مشارکت را نیافتم.

وَ عَلَى أَيِّ حَالٍ، سَوَاءٌ تَمَّ مَا أَفَادَهُ أَوْ لَا، فِي خُصُوصِ الْحَدِيثِ لَمْ يُقْصَدِ مِنْ كَلِمَةِ الضَّرَارِ الدَّلَالَةُ عَلَى
المشاركة،

و به هر حال، چه مطبی که ایشان فرموده‌اند صحیح باشد یا نباشد، در خصوص حدیث (داستان سمرة)، از کلمه «ضرار» دلالت
بر مشارکت قصد نشده است،

إِذِ الضَّرُّ كَانَ صَادِرًا مِنْ سَمْرَةَ فَقَطْ دُونَ الْأَنْصَارِيِّ وَ سَوْفَ يَأْتِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى فِي النُّقْطَةِ التَّالِيَةِ أَنَّ
استشهاد الرسول (ص) إِنَّمَا هُوَ بِفَقْرَةٍ «لَا ضَرَارَ» دُونَ «لَا ضَرَرَ».

چرا که ضرررسانی تنها از جانب سمرة صادر شده بود نه از مرد انصاری و به خواست خدا در محور آینده خواهد آمد که استدلال
رسول خدا (ص) به قسمت «لا ضرار» بوده است نه «لا ضرر».

وَ بَعْدَ عَدَمِ كَوْنِ الْمَشَارَكَةِ مَقْصُودَةً فَمَا هُوَ الْمَقْصُودُ إِذْنَ؟ إِنَّ الْمَصْدَرَ وَ إِنْ دَلَّ عَلَى صُدُورِ الْحَدَثِ مِنَ
الفاعل، إِلَّا أَنَّ هَذَا الْمَقْدَارَ قَضِيَّةٌ تَشْتَرِكُ فِيهَا جَمِيعُ الْمَصَادِرِ،

و بعد از آنکه مشخص شد معنای مشارکت قصد نشده، پس چه چیزی قصد شده است؟ اگرچه مصدر بر صدور حدث از فاعل
دلالت دارد، اما همه مصدرها در این مقدار دلالت مشترکند،

وَ لَكِنَّ دَلَالَتَ بَعْضِ الْمَصَادِرِ تَخْتَلِفُ عَنِ دَلَالَتِ بَعْضِهَا الْآخَرَ وَ السُّؤَالُ عَنِ دَلَالَةِ هَيْئَةِ الضَّرَارِ مَا هِيَ؟

ولی دلالت بعضی از مصدرها با دلالت بعضی دیگر تفاوت دارد و سؤال ما از دلالت هیئت «ضرار» است که دلالت آن چیست؟
لا يَبْعُدُ دَلَالَتَ كَلِمَةِ «ضَرَارٍ» عَلَى صُدُورِ الضَّرْرِ مِنَ الْفَاعِلِ إِمَّا بِنَحْوِ الإِسْتِمْرَارِ وَ التَّكْرُرِ أَوْ بِنَحْوِ التَّقْصِدِ وَ
التَّعَمُّدِ وَ اتِّخَاذِ ذَرِيْعَةٍ بَاطِلَةٍ إِلَيْهِ،

بعید نیست کلمه «ضرار» بر صدور ضرر از فاعل دلالت داشته باشد، یا به شکل مستمر و پی در پی یا به شکل قصدی و عمدی
و در پیش گرفتن راهی باطل برای ضرر،

فَلَا ضَرَارَ يَعْنِي: لَا يَصْدُرُ مِنْكُمْ الضَّرُّ مُتَّقَصِدِينَ إِلَيْهِ وَ مُتَّشَبِّهِينَ بِبَعْضِ الدَّرَائِعِ الْوَاهِيَةِ.

در نتیجه، «لا ضرار» به معنای آن است که: نباید از شما ضرری صادر شود، که از روی قصد است (و بخواهید با آن) به روش
های سست متوسل شوید.

وَ لَعَلَّ بَعْضَ الإِسْتِعْمَالَاتِ الْقُرْآنِيَّةِ تُسَاعِدُ عَلَى ذَلِكَ، قَالَ تَعَالَى: «وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ
فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لَتَعْتَدُوا»

و شاید بعضی از کاربردهای قرآنی (ما را) بر پذیرش همین معنا یاری نماید، خداوند متعال می‌فرماید: «و هنگامی که زنان را
طلاق دادید و به روزهای آخر (عده) خود رسیدند، به طرز صحیحی آنها را نگه دارید (و آشتی کنید) یا به طرز پسندیده‌ای آنها را
رها سازید و آنها را به خاطر زیان رساندن نگه ندارید تا به ایشان ظلم کنید»

وَ قَالَ: «وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ ...» وَ قَالَ: «... وَ لَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَ لَا
شَهِيدٌ ...» وَ قَالَ: «... لَا تُضَارُّ وَالِدَةٌ بَوْلِدَهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدِهِ ...» إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ.

و می‌فرماید: «و (گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان ...» و می‌فرماید: «... نباید نویسنده و شاهد (به خاطر حق‌گویی) زبانی ببینند ...» و می‌فرماید: «... هیچ مادری نباید به کودکش ضرر برساند و هیچ پدری نباید به کودکش ضرر برساند ...» و غیر این موارد.

و النَّبِيَّةُ الْمُسْتَخْلَصَةُ مِنْ كُلِّ هَذَا أَنَّ كَلِمَةَ الضَّرَرِ تَدُلُّ عَلَى نَفْسِ النَّقْصِ وَ كَلِمَةُ الضَّرَارِ تَدُلُّ عَلَى الضَّرَرِ الصَّادِرِ مِنَ الْفَاعِلِ عَنِ تَعَمُّدٍ وَ قَصْدٍ.

و نتیجه‌ای که از تمام این مطالب حاصل می‌شود، این است که کلمه «ضرر» بر اصل خسارت دلالت دارد در حالی که کلمه «ضرار» بر ضرری دلالت می‌کند که از روی عمد و قصد از فاعل سر زده باشد.

Sco ۱:۱۹:۳۷

مقصود از قاعده لا ضرر

بعد از شناخت مقصود از لغات «ضرر» و «ضرار»، نوبت آن می‌رسد که مقصود از مجموع جمله «لا ضرر و لا ضرار» را بیان نماییم. مهمترین محور بحث از قاعده «لا ضرر» همین بحث است، زیرا با توجه به نتیجه‌ای که از آن گرفته می‌شود، قاعده تثبیت شده و در مسیر استنباط احکام شرعی قرار می‌گیرد.

در رابطه با بیان مقصود از قاعده «لا ضرر» نظرات مختلفی ارائه شده است که مهمترین آن‌ها چهار نظریه ذیل است:

۱. **انشاء نهی تحریمی تکلیفی:** آخوند خراسانی (ره) آن را در کتاب «کفایه» ذکر نموده است، اما قائل به آن نیست اما شیخ الشریعة (ره) این نظر را پذیرفته است.

۲. **وجوب جبران ضرر:** یعنی قاعده در مقام آن است که هر گونه ضرر غیر قابل جبران را نفی و جبران آن را واجب نماید. این نظر منسوب به فاضل تونی (ره) است.

۳. **نفی جعل حکم ضرری:** یعنی با توجه به قاعده «لا ضرر»، جعل و تشریح هر حکمی که لازم اش ضرر باشد نفی شده است. شیخ انصاری (ره)، میرزای نائینی (ره) و محقق خویی (ره) قائل به این نظر شده‌اند.

۴. **نفی حکم به زبان نفی موضوع:** نتیجه این نظریه نیز همانند نظریه سوم، نفی جعل حکم ضرری است اما راه رسیدن به آن تفاوت دارد که در مباحث آینده خواهد آمد. آخوند خراسانی (ره) در کتاب «کفایه» این نظر را پذیرفته است.

FG

- | | | |
|---|---|--------------------------------|
| <p>۱. انشاء نهی تحریمی تکلیفی</p> <p>۲. وجوب جبران ضرر</p> <p>۳. نفی جعل حکم ضرری</p> <p>۴. نفی حکم به زبان نفی موضوع</p> | } | <p>مقصود از قاعده «لا ضرر»</p> |
|---|---|--------------------------------|

تطبيق

۶- المقصود من قاعدة لا ضرر

بعد أن عَرَفْنَا الْمَقْصُودَ مِنْ كَلِمَةِ الضَّرَرِ وَ الضَّرَارِ، يَفْعُ الْكَلَامُ فِي الْمَقْصُودِ مِنْ مَجْمُوعِ الْجُمْلَةِ وَ أَنَّهُ مَا ذَا تَرِيدُ أَنْ تَقُولَ وَ تُبَيِّنُ.

۶- مراد از قاعده لا ضرر

بعد از آنکه مقصود از کلمه «ضرر» و «ضرار» را دانستیم، کلام در مراد از کل جمله و آنچه جمله در صدد گفتن و تبیین آن است، واقع می‌شود.

إِنَّ أَمَّ نَقْطَةَ مِنْ نِقَاطِ الْبَحْثِ عَنِ قَاعِدَةِ لَا ضَرَرَ هِيَ هَذِهِ النُّقْطَةُ وَ قَدْ اخْتَلَفَتْ الْإِجَابَةُ عَنِ هَذَا التَّسْأُولِ وَ نَذَكُرُ الْمَهْمَمَ مِنْهَا كَمَا يَلِي:

مهمترین محور از محورهای بحث از قاعده لا ضرر، همین محور است و از این سؤال به شکل‌های متفاوت جواب داده شده است و ما همان طور که می‌آید مهمترین آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

أ- **إِنَّ الْمَقْصُودَ النَّهْيُ وَإِفَادَةُ تَحْرِيمِ الضَّرَرِ تَكْلِيفًا وَ هَذَا الرَّأْيُ ذَكَرَهُ الْأَخُونْدُ (ره) فِي الْكِفَايَةِ وَ اخْتَارَهُ شَيْخُ الشَّرِيعَةِ الْإِصْفَهَانِي (ره).**

أ- مراد، نهی و بیان حرمت تکلیفی ضرر است و آخوند خراسانی (ره) این نظر را در کتاب «کفایه» ذکر کرده و شیخ الشریعه اصفهانی (ره) آن را اختیار نموده است.

ب- **إِنَّ الْمَقْصُودَ نَهْيَ الضَّرَرِ غَيْرِ الْمُتَدَارِكِ وَ هَذَا هُوَ الْمَنْسُوبُ لِلْفَاضِلِ التُّونِي (ره).**

ب- مراد، نهی ضرر غیر قابل جبران است و این نظری است که به فاضل تونی (ره) نسبت داده شده است.

ج- **إِنَّ الْمَقْصُودَ نَهْيَ تَشْرِيعِ الْحُكْمِ الَّذِي يَسْتَلْزِمُ الضَّرَرَ وَ يُسَبِّبُهُ وَ هَذَا مَا اخْتَارَهُ الشَّيْخُ الْأَعْظَمُ (ره) وَ الْمِيرْزَا (ره) وَ السَّيِّدُ الْخَوَّي (ره).**

ج- مراد، نهی جعل حکمی است که لازمه آن ضرر بوده و منجر به ضرر شود و این نظری است که شیخ انصاری (ره) و میرزای نائینی (ره) و محقق خویی (ره) آن را اختیار نموده‌اند.

د- **إِنَّ الْمَقْصُودَ نَهْيَ الْحُكْمِ بِلِسَانِ نَهْيِ الْمَوْضُوعِ وَ هَذَا مَا اخْتَارَهُ الْأَخُونْدُ الْخُرَّاسَانِي (ره) فِي الْكِفَايَةِ وَ يَأْتِي فِيهَا بَعْدَ أَنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى تَوْضِيحَ الْفَرْقِ بَيْنَ هَذَا الرَّأْيِ وَ مَا قَبْلَهُ.**

د- مراد، نهی حکم با زبان نهی موضوع است و این نظری است که آخوند خراسانی (ره) در کتاب «کفایه» آن را اختیار نموده است و انشاءالله توضیح تفاوت بین این نظر و نظر قبل از آن در مطالب آینده خواهد آمد.

و بعد هذا نأخذ بالتحدُّثِ بِشَكْلِ مُخْتَصِرٍ عَنِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ هَذِهِ الْأَرَاءِ، ثُمَّ بَيَانِ مَا هُوَ الْمُخْتَارُ.

و بعد از این (ذکر اقوال) به صورت کوتاه از هر یک از این نظریه‌ها سخن گفته سپس نظر خود را بیان می‌کنیم.

Sc02:26:38

۱. انشاء نهی تحریمی تکلیفی

اولین نظری که در مورد مقصود و مراد از قاعده لا ضرر مورد بررسی واقع می‌شود، تفسیر آن: به بیان حرمت تکلیفی است، یعنی ضرر و ضرار طبق این بیان حرام است. تفسیر قاعده «لا ضرر» به تحریم تکلیفی از سه راه میسر است:

الف) استعمال مجازی «لا نافیة در نهی: یعنی اگرچه «لا» در جمله «لا ضرر و لا ضرار»، «لا» نافیة است اما به صورت مجاز، در معنای غیر موضوع له یعنی در نهی استعمال شده است و مقصود از نهی ضرر، نهی از ضرر می‌باشد، در اینصورت در واقع مراد از «لا ضرر»، «لا تضر» می‌باشد یعنی ضرر وارد نکن.

ب) تقدیر خبر محذوف: خبر «لا» در جمله «لا ضرر و لا ضرار» محذوف بوده و تقدیر آن «لا ضرر جائز» می‌باشد.^۱

ج) ارادة انشاء نهی از خبر: یعنی اگرچه جمله «لا ضرر و لا ضرار» جمله‌ای خبری است، که خبر از نهی «ضرر» و «ضرار» می‌دهد اما قصد متکلم، انشاء نهی بوده است نه حکایت از واقع. مانند گفتن «بعت» به هنگام فروش که قصد متکلم، انشاء بیع است نه حکایت از فروش در زمان گذشته.

دلیل نظریه‌های مذکور و نقد و بررسی آن‌ها در درس‌های آینده مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. یعنی اگرچه ظاهر کلمه «لا» آن است که برای نهی جنس آمده و خبر آن «موجود» محذوف می‌باشد، اما در حقیقت «لا» شبیه به «لیس» بوده و خبر آن «جائزاً» محذوف می‌باشد.

الف: «لا» نافیہ مجازاً در نہی استعمال شدہ باشد.
 ب: خبر «لا» مقدر و محذوف باشد.
 ج: جملہ، اخبار از نفی است بہ قصد نہی

راہ ہای استدلال برای افادہ
 (نہی تکلیفی) از قاعدہ لا
 ضرر

تطبيق

توضیحُ الرَّأْيِ الْأَوَّلِ

إِنَّ تَفْسِيرَ الْقَاعِدَةِ بِالتَّحْرِيمِ التَّكْلِيفِيِّ لِلضَّرْرِ يُمَكِّنُ أَنْ يَتِمَّ بِأَحَدِ الطَّرِيقِ الثَّلَاثِ التَّالِيَةِ:

توضیح نظریہ اول

تفسیر قاعدہ «لا ضرر» بہ حرمت تکلیفی ضرر رسانی، با یکی از راہهای سه گانہ آتی امکان دارد:

أ- استعمالُ «لا» النَّافِيَةِ فِي النَّهْيِ بِنَحْوِ الْمَجَازِ وَالِاسْتِعْمَالِ فِي الْمَعْنَى غَيْرِ الْمَوْضُوعِ لَهُ.

أ- «لا» نافیہ در نہی بہ شکل مجاز و استعمال در معنای غیر موضوع له، بہ کار رفته است.

ب- تقدیرُ خَبَرٍ مَحذُوفٍ، أَي: لَا ضَرَرَ جَائِزٌ.

ب- در تقدیر گرفتن خبر محذوف، یعنی: هیچ ضرری جایز نیست.

ج- أَنْ تَكُونَ الْجُمْلَةُ مُسْتَعْمَلَةً فِي الْإِخْبَارِ عَنِ النَّفْيِ بِقِصْدِ التَّهْيِ، نَظِيرُ اسْتِعْمَالِ جُمْلَةِ بَعْتُ الْإِنْشَاءِ.

ج- جملہ «لا ضرر و لا ضرار» بہ قصد نہی در خبر دادن از نفی بہ کار رفته باشد، مانند بہ کار بردن جملہ «بعث - فروختم» با

انگیزہ انشاء (بیع).

Sco۳:۳۰:۲۲

چکیده

۱. کلمه ضرار می تواند مصدر «ضار» یا «ضر» باشد. در صورتی که «ضرار» مصدر «ضار» باشد طبق قولی مصدر باب مفاعله است، از دیدگاه برخی علما بر معنای مشارکت دلالت خواهد داشت.
۲. شیخ الشریعة دلالت باب مفاعله بر مشارکت را انکار نموده است.
۳. تعبیر «لا ضرار» در داستان سمرة، قطعاً در معنای مشارکت به کار نرفته است؛ زیرا ضرررسانی تنها از ناحیه سمرة صورت گرفته بود نه مرد انصاری.
۴. «ضرر» تنها بر اصل نقص دلالت دارد اما «ضرار» علاوه بر اصل صدور نقص از فاعل، عمدی و قصدی بودن آن را نیز می فهماند.
۵. مهمترین محور بحث در قاعده «لا ضرر»، بحث از مراد و مقصود آن است.
۶. چهار نظریه مهم در رابطه با بیان مقصود از قاعده «لا ضرر» به شرح ذیل است:
 - الف) انشاء نهی تحریمی تکلیفی
 - ب) وجوب جبران ضرر
 - ج) نفی جعل حکم ضرری
 - د) نفی حکم به زبان نفی موضوع
۷. تفسیر قاعده «لا ضرر» به تحریم تکلیفی از سه راه میسر است:
 - الف) استعمال مجازی «لا» نافیه در نهی
 - ب) تقدیر خبر محذوف
 - ج) اراده انشاء نهی از خبر

آزمون

۱. شیخ الشریعة با استدلال به تتبع در قرآن، دلالت باب مفاعله بر معنای مشارکت را پذیرفته است.
پاسخ : نادرست

▼
درست
نادرست

۲. «ضرر» و «ضِرار» چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

- الف) «ضِرار» بر اصل نقص دلالت دارد، اما «ضرر» عمدی بودن آن نیز می‌فهماند.
- ب) «ضِرار» بر مشارکت دلالت دارد، اما «ضرر» صدور حدث را می‌فهماند.
- ج) «ضرر» بر اصل نقص دلالت دارد، اما «ضِرار» عمدی بودن آن را نیز می‌فهماند.
- د) «ضرر» بر مشارکت دلالت دارد، اما «ضِرار» صدور حدث را می‌فهماند.
۳. کدام یک از فقها مقصود از قاعده «لا ضرر» را نفی حکم به زبان نفی موضوع دانسته است؟
الف) شیخ الشریعة اصفهانی ب) آخوند خراسانی ج) میرزای نائینی د) محقق خویی
۴. کدام یک از گزینه‌های زیر، جزو نظرات مطرح شده در رابطه با بیان مقصود از قاعده «لا ضرر» نیست؟
الف) انشاء نهی تحریمی تکلیفی ب) وجوب جبران ضرر
- ج) انشاء نهی تنزیهی تکلیفی د) نفی جعل حکم ضرری
۵. تفسیر قاعده «لا ضرر» به تحریم تکلیفی از کدام راه میسر نیست؟
الف) استعمال مجازی «لا» نافیه در نهی ب) تقدیر خبر محذوف
- ج) اراده انشاء نهی از خبر د) تقدیر کلمه «حکم» قبل از «ضرر»